

این دست نوشته های زیبا و عبرت آمیز را خواندم. تماماً تجلی عمق قلبی شهید تجلایی بود. دینداری عمیق، بی تاب شهادت، شجاعت در عمل، فهم در تدبیر ذکاوت در اداره بیزاری از دنیا و همه توجه به خدا و قیامت، همه آن ها را در حیات حضوری و شهودی او ما شاهد بودیم و نورانیت فوق العاده تجلی خورشیده درونی او بود.

خود همین نوشته ها بدون دستکاری، پیام زیبا و ارزشمندی برای هر طالب راهی به سوی خدا است. اگر کسی بتواند همان چند صفحه کوتاه او را در بحث سوسنگرد، آن حماسه ارزشمند به هنر و نوشته بی پای کند، زیباترین جلوه بشری و غیرت و همت یکه انسان را می تواند نمایش بگذارد.

درد و رحمت و رضوان خداوند سبحان بر آن عاشق ده ها بار به شهادت رسیده اش علی عزیز که اسلام نه در آموزش بلکه در همه چیز بود و به خوبی حق این نام مبارک رزبای علی را به جا آورد و تجلی، تجلی چنین نام نام آوری شد.

قاسم سلیمانی ۹۷/۵/۱۷

## شهادت شاکار

جستاری در خاطرات و دست نوشته های شهید علی تجلایی

| به اهتمام: نصیبه عبدالعلی زاده |



بسم الله

ایمان من نوشته های زیبا و عبرت آمیز را خواندم  
تا آنجایی که غم جلی می کشید چندان بود و بیداری عمیق ،  
بی تاب نهاد ، تجلی در علی ، نم هر تدبیر و کلمات در اداره  
سیناری از دنیا هر چه بود به فدا هیئت ، همه آنها  
در حدت حضرت و کفایت او ما شاهد بودیم روزی اینست  
مفوق العاده تجلی خورشید در وی او بود ، خود همین نوشته ها  
بدون دست کاتبان بسیار زیاد از زندگی بر این هر طالب راهی  
به سوی خداست ، اگر کسی بتواند آنها را چند مرتبه او را  
بیت سوخته آنجا که از نوشته حضرت نوشته تبدیل کند بسیار سیرین  
جله بری و عزت و همت یک انسان را می تواند به ناسر بلک آرا  
درود رحمت در رهزال فداوند بسیار بر آن ها است ، به هر چه است  
رسیده است علی عزیز که است دم نذر آسمان رسیده است ، هم همه سیر بود  
و بخوبی حق این نام مبارک و زیبا علی را بی آن کرد و تجلی و تجلی  
صفتی نام نام آور است

قاسم سلیمانی  
۹۷-۵-۱۷

## فهرست

۶.....	مقدمه:
۸.....	سال شمار زندگی علی تجلی
۱۱.....	کاش ساواکی می شدم
۱۹.....	زندگی در شرایط سخت
۲۱.....	مأموریت در افغانستان
۲۵.....	سوسنگرد به روایت تجلایی
۴۳.....	به خودم می بالیدم
۵۷.....	علی رگبار
۶۵.....	حکم مأموریت
۸۵.....	دوره دافوس
۸۷.....	عملیات خیبر به روایت شهید تجلایی
۱۰۹.....	لغو عملیات
۱۱۹.....	تک تیرانداز
۱۲۱.....	رقص کنان خواهم رفت
۱۳۵.....	الحمد لله
۱۴۱.....	وصیت نامه اول شهید علی تجلایی
۱۵۳.....	وصیت نامه دوم شهید علی تجلایی
۱۶۱.....	نامه به دختر

## پیش‌گفتار:

اثری که پیش روی شماست، ارج‌نامه‌ای به فراخور بضاعت‌مان برای مجاهد بی‌مرز و بی‌مزار که هنوز ارزش‌های والای شخصیت کم‌نظیرش ناشناخته مانده است. مردی که جانش را فدا کرد تا یک وجب از خاک کشورمان دست بیگانگان نیفتد. او کسی بود که در مجلس عقدشان به همسرش گفت: «شنیده‌ام عروس موقع عقد هر دعایی بکند، خداوند اجابتش می‌کند. اگر به من علاقه داری و خوشبختی‌ام را می‌خواهی، دعا کن شهید شوم!» راستی ارزش و عیار این فکر و اندیشه را «علی تجلایی» چه کسی می‌داند؟ باید به چه درجه‌ای از ایمان برسیم تا مثل او عاشق باشیم؟ او برای این که جبهه نرود، هزار و یک دلیل داشت، اما هیچ کدام نتوانست مانع حضورش در صحنه‌های خوف و خطر باشد؛ همانند دیگر مردان خدا، پدر پندار دیرد و جز جمال یار چیزی ندید و از این سبب مقام و منصب خود را در راه گاه خاتم‌الانبیاء (قرارگاه فرماندهی جنگ) رها کرد و بالباس رزمی که یادگار آزادسازر سوسنگرد بود و همه جایش نشانی از تیرو ترکش داشت، گمنام و رها از تعلقات دنیوی، باقی آخرین رزمگاه خود در عملیات بدر شد.

بیشتر فرماندهان بلندپایه‌ی جنگ، در این باورند که اگر حیات دنیوی علی تجلایی ادامه پیدا می‌کرد، می‌توانست «استادان خوبی برای باکری‌ها باشد، ولی او از قید و بندها رها شده بود و جز مرگ «شکار» شکار آرامش نمی‌کرد.

این کلام شهید «غلامحسین افشردی (حسن باقری)» سرلوحه فعالیت‌های ماست که: ما به این انقلاب و شهدا بدهکاریم. بدستار گریه‌ی مادران، چشم‌انتظاری همسران و بی‌پدر شدن بچه‌ها. ما به شهدا، جانبازان، آزادگان، و خانواده‌هایشان بدهکاریم. به باکری‌ها، شفیع زاده‌ها، یاغ‌چیان‌ها و... بدهکاریم. به علی تجلایی فاتح سوسنگرد بدهکاریم؛ مردی که در آخرین نامه‌اش نوشت: «مطمئنم دیگر بر نمی‌گردم. خدا کند جنازه‌ی من دست شما نرسد.»

آن چه قابل ذکر است جز کتاب «ستاره‌ی بدر»، اثر جناب «جلال محمدی» که در سال ۱۳۷۴ توسط کنگره‌ی سرداران شهید آذربایجان به چاپ رسیده، اثر

قابل تأمل دیگری درباره شهید علی تجلیایی منتشر نشده است. در حالی که آثار برجای مانده از آن عزیز سفر کرده شامل نامه‌ها، سخنرانی‌ها، تشریح عملیات‌ها، خاطرات خودنوشت، دست نوشته‌ها و... خود حدیث مفصلی است که تا به حال اقدام مؤثری برای چاپ آن‌ها انجام نشده. برای این کار در گام نخست، به سراغ همسر صبور علی آقا، سرکار خانم «عبدالعلی‌زاده» رفتیم و آن بانوی انقلابی با بزرگواری تمام، دست‌نوشته‌های این شهید سرافراز را که طی چهار دهه چون گنجی گرانبها از آن نگهداری کرده بود، در اختیارمان گذاشت و راه را برای نشر این آثار هموار کرد. او که به عشق علی تجلیایی مشکلات زندگی را به تنهایی بردوش کشیده و از هیچ کوششی در شناساندن سیره‌ی حیات و شهادت آن فرمانده نام‌آور دریغ نکرده بود، سرانجام در حادثه تأسف باری، دوستان علی تجلیایی را داغدار کرد و دارطبی را رداغ گفت. یادش را گرامی می‌داریم.

در پایان از مساعدت‌های نم‌بند محترم ولی فقیه در استان و امام جمعه تبریز دکتر «محمدعلی آل‌هاشم»، استاذ ارشد، مرم آذربایجان شرقی دکتر «عابدین خرم»، معاون محترم هماهنگ‌کننده نرس سردار «علی اکبر پورجمشیدیان»، فرمانده محترم سپاه عاشورا سردار «عباسقلی‌زاده»، سردکل محترم اداره حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس دکتر «عباسی»، نماینده محترم مجلس شورای اسلامی حجت‌الاسلام «میرتاج‌الدینی»، هنرمندان عکاس «حسین جببازی پور» و حاج «بهزاد پروین‌قدس» تشکر نموده و هم‌چنین راقایان حاج «محمد حبیب‌اللهی»، «رحیم ملاحسینی»، «علیرضا خسروی»، «رضا قلی‌زاده» و «ناصرقاری‌رانی» که در به ثمررساندن این اثرهمکاری کرده و خالصانه متحمل زحمتی شدند، کمال قدردانی را داریم. امیدواریم با نشراین اثر بتوانیم گامی مؤثر در شناساندن شهید علی تجلیایی برداریم. این اثر را به روح بلند و ملکوتی سردار رشید اسلام شهید علی تجلیایی و همسر فداکارش سرکار خانم عبدالعلی‌زاده تقدیم می‌کنیم و امیدواریم که از شفاعت شهدا بهره‌مند شویم، ان‌شاءالله.

کانون فرهنگی شهید تجلیایی تبریز - خرداد ماه سال ۱۴۰۰ شمسی

## سال شمار زندگی شهید علی تجلیانی

- پنجم مرداد ۱۳۳۸ تولد در تبریز خیابان شهید منتظری (مارالان).
- ۱۳۴۴ ورود به دبستان.
- اخذ دیپلم از دبیرستان تربیت تبریز
- ۱۳۵۶ فعالیت در چاپ و پخش اعلامیه و حضور در تظاهرات و اجتماعات مردمی علیه نظام شاهنشاهی.
- ۱۳۵۸ ورود به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گذراندن دوره آموزشی در کاخ سعدآباد تهران زیر نظر شهید سعید گلاب بخش (محسن چریک).
- ۱۳۵۹ ورود به پادگان سید الشهداء خاصان تبریز به عنوان مربی آموزش و معاتبت آن عزیزان به کردستان و حضور در صف مقابله با ضدانقلاب.
- ۱۳۵۹ محبت به افغانستان و یاری مردم مظلوم افغانستان در جنگ با نیروی متجاوز شوروی. تأسیس اولین مرکز آموزش فرماندهی مجاهدین افغانی در کشور افغانستان.
- مهر ۱۳۵۹ رجوع از افغانستان به ایران به دلیل شروع جنگ تحمیلی و عزیمت به جبهه‌های جنوب و شرق. رنبردهای دهلاویه و حضور در حماسه سوسنگرد. مسئولیت فرمانده عملیات محور دهلاویه و معاون عملیات سپاه سوسنگرد و سپس عزیمت به تهران جهت معاتبت مجاهدین. جرحیت‌های ناشی از نبرد سوسنگرد.
- اردیبهشت ۱۳۶۰ تدریس تاکتیک در پادگان امام علی (صلوات الله علیه) تهران برای فرماندهان گردان سراسر کشور (از جمله شهید حاج محمد سلیمانی).
- ۱۴ تیر ۱۳۶۰ ازدواج با سرکار خانم نصیبه عبدالعلی زاده.
- ۱۳۶۰ حضور در پیرانشهر با مسئولیت عملیات سپاه پیرانشهر.
- فروردین ۱۳۶۱ شرکت در عملیات فتح المبین با مسئولیت فرمانده گردان‌های شهید مدنی و شهید قاضی از نیروهای اعزامی آذربایجان شرقی در تیپ ۸ نجف اشرف.
- اردیبهشت ۱۳۶۱ شرکت در عملیات بیت المقدس با مسئولیت جانشینی تیپ ۳۱ عاشورا.
- تیر ۱۳۶۱ شرکت در عملیات رمضان با مسئولیت طرح عملیات تیپ ۳۱ عاشورا.
- بهمن ۱۳۶۱ شرکت در عملیات والفجر مقدماتی.
- ۱۸ بهمن ۱۳۶۱ شهادت برادرش مهدی تجلیانی.

- ۱۳۶۲- معرفی به ارتش جهت طی کردن دوره دافوس در تهران.
- ۱۳۶۲- انتصاب به سمت معاونت آموزش‌های تخصصی سپاه.
- ۱۳۶۲- شرکت در عملیات والفجر ۲ و ۴ با مسئولیت طرح عملیات قرارگاه خاتم‌الانبیاء.
- ۱۳۶۲- اسفند شرکت در عملیات خیبر.
- ۱۳۶۳- جانشین قرارگاه ظفر و تدوین و تنظیم دستاوردها و تجارب آموزشی سپاه.
- ۱۹- بهمن ۱۳۶۳ شرکت در عملیات بدر به عنوان تک‌تیرانداز و هدایت‌کننده نیروهای گران‌امام حسین (صلوات‌الله‌علیه) لشکر عاشورا.
- ۲۵- اسفند ۱۱۰۳ شهادت در منطقه شرق دجله و بازنگشتن پیکر مطهر.

www.ketab.ir